

گزارش پژوهشی :

عواقب اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در آمریکای جنوبی



اندرشکده اقتصاد مقاومتی

گروه تولید و تجارت

اسفند ماه ۱۳۹۸

رهبر معظم انقلاب: علاج برون رفت از مشکلات کشور «اقتصاد مقاومتی» است.

معرفی اندیشکده اقتصاد مقاومتی

اندیشکده اقتصاد مقاومتی یک کانون تفکر با مأموریت «تصمیم سازی برای حل مسائل اقتصاد کشور در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی» است که در سال ۱۳۹۵ فعالیت رسمی خود را آغاز نمود.

شناسایی شبکه مسائل در هر حوزه موضوعی، طراحی راهکار برای حل مسائل احصاء شده و هم‌اندیشی جهت ارزیابی و تدقیق آن، بررسی تجربیات جهانی، طرح مباحث در فضای نخبگانی و رسانه‌ای و پیگیری راهکارهای ارائه شده از دستگاه‌ها و مسئولین مرتبط به منظور اتخاذ تصمیمات لازم، از جمله فعالیت‌هایی است که در اندیشکده انجام می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت Mett.ir با اندیشکده اقتصاد مقاومتی در ارتباط باشند و نظرات، انتقادات و پیشنهادهای خود را در خصوص این گزارش و همچنین سایر فعالیت‌های اندیشکده، مطرح کنند.

عواقب اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در آمریکای جنوبی

تولید و تجارت	گروه موضوعی:
پژوهشی	نوع گزارش:
۱۳۹۸۱۲۳۰۹	شناسه:
۱۳۹۸/۱۲/۲۸	تاریخ انتشار:
سیدمحمد رضا موسوی	تهیه و تدوین:
سید هادی رهگشای	مدیر مطالعه:
محمد مهدی یزدانی	ناظر علمی:



خلاصه مدیریتی

پس از وقوع رکود بزرگ ۱۹۳۹ در اروپا و آمریکا و همچنین خسارت‌های ناشی از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپایی، و فراهم‌شدن زمینه‌های طراحی نظام پولی جدید در جهان، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به منظور کنترل عملیات پولی جدید و کمک به تثبیت نرخ برابری پول‌های ملی کشورهای مختلف از طریق ارائه وام‌های بین‌المللی تشکیل شد.

به طور مشخص صندوق بین‌المللی پول اهدافی از جمله اقدام برای شکوفایی همکاری‌های مالی بین‌المللی، ایجاد ثبات مالی، تسهیل تجارت بین‌المللی، کمک به افزایش اشتغال، کمک به رشد پایدار اقتصادی، و کاهش فقر را برای خود در نظر گرفته است که از طریق سه فعالیت مشخص و مداوم انجام می‌پذیرد؛ پایش اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای عضو، ارائه وام، ارائه کمک‌های عملی به اعضا.

یکی از مهمترین وظایف صندوق بین‌المللی پول ارائه وام به کشورهایی است که توازن مالی آنها بر هم خورده یا در آستانه برهم خوردن است. این کمک‌های مالی صرف بازسازی ذخایر بین‌المللی کشورها، ایجاد ثبات ارزی، ادامه واردات و پدید آوردن شرایط لازم برای ایجاد رشد اقتصادی قوی و پایدار می‌شود. اما نکته قابل توجه این است که پرداخت وام توسط صندوق بین‌المللی پول مشروط به اجرای سیاست‌هایی است که صندوق به آن کشور متقاضی وام توصیه می‌کند.

این سیاست‌ها برای کشورهای در حال توسعه شامل سیاست تعدیل ساختاری است که نوعی سیاست اقتصادی است که مبنای نظری آن به نئولیبرالیسم برمی‌گردد و سه هدف عمده را دنبال می‌کند: آزادسازی (در حوزه قیمت‌ها و موانع تجاری)، خصوصی‌سازی (در حوزه اموال دولتی)، مقررات زدایی. این اهداف در قالب سیاست‌هایی نظیر برنامه‌های ریاضتی و شوک درمانی در کشورهای مختلف اجرا شده‌اند.

بررسی و تحلیل اثرات اجرای برنامه تعدیل ساختاری در شیلی، آرژانتین و اکوادور حاکی از آن است که:

۱. در تحلیل عوامل اثر گذار بر بی‌ثباتی کشورهای شیلی، آرژانتین و اکوادور در دهه‌های اخیر، نقش برخی از سیاست‌های نادرست اقتصادی و ساختارهای ناسالم داخلی واضح است. اما این به معنای بی‌اثر بودن سیاست‌های تعدیل ساختاری در این زمینه نیست. در تحلیل عوامل اقتصادی نباید شرایط را به شکل مطلق و صفر و یکی بررسی کرد. سیاست‌های تعدیل ساختاری که از سوی صندوق بین‌المللی پول دیکته شده‌اند، با هدف رشد اقتصادی، افزایش صادرات، کاهش فقر و تسریع در روند توسعه اقتصادی به دولت‌های مختلف ابلاغ شده‌اند. اگرچه برخی از این اهداف نظیر رشد اقتصادی یا افزایش صادرات در مقاطعی برآورده شده‌اند، اما در عمل می‌بینیم که برخی از اهداف ادعایی صندوق از تجویز این سیاست‌ها نظیر کاهش فقر و تسریع در توسعه اقتصادی نه تنها محقق نشده،

بلکه این سیاست‌ها منجر به تشدید مشکلات اقتصادی و بی‌ثباتی‌های داخلی این کشورها و یا ایجاد مشکلات جدیدتر نیز شده است.

۲. بررسی روند همکاری این سه کشور با صندوق بین‌المللی پول و اجرای برنامه تعدیل ساختاری نشان می‌دهد که نقطه شروع ارتباط میان این کشورها و صندوق و مذاکره برای دریافت وام، بحران بدهی بوده است. در حقیقت بدهی‌های بالای این کشورها، آنها را به سمت اجرای برنامه تعدیل ساختاری به منظور جلب حمایت صندوق بین‌المللی پول سوق داده است. اما در عمل، دریافت وام از صندوق و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری نه تنها موجب کاهش بدهی نشده، بلکه بدهی را در این کشور افزایش داده و برخی شاخص‌های دیگر اقتصادی را نیز دچار وخامت کرده است. اجرای این سیاست‌ها موجب گرفتار شدن این کشورها در مارپیچ بدهی شده است و آنها را برای دریافت وام بیشتر به اجرای بیشتر سیاست‌های ریاضتی صندوق ترغیب نموده است.

۳. نقد سیاست‌های نئولیبرالیسم در این زمینه به معنای حمایت از پوپولیسم یا سوسیالیسم نیست. همانطور که قبلاً ذکر شد، بسیاری از این دو گان‌ها نادرست هستند. بلکه در کنار اثرات ناشی از تعدیل ساختاری، باید به زمینه‌های داخلی و سایر سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی نیز توجه داشت.

۴. با بررسی روند اجرای برنامه تعدیل ساختاری در این سه کشور به این نتیجه می‌رسیم که آثار مثبت اقتصادی نظیر افزایش رشد اقتصادی، کاهش تورم و افزایش صادرات در این کشورها عمدتاً به شکل مقطعی و کوتاه مدت بوده‌اند و اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول نتوانسته است روند پایداری را برای حفظ و تداوم این دستاوردها فراهم آورد. در حالیکه یکی از اهداف مهم کشورها در زمینه اقتصاد، رسیدن به رشد و توسعه پایدار است و نه مقطعی و کوتاه مدت.

۵. یکی از مهمترین پیامدهای سیاست‌های تعدیل ساختاری، فرار سرمایه بود. همانطور که قبلاً ذکر شد، یکی از اهداف سیاست‌های تعدیل ساختاری، حذف کنترل سرمایه و کلیه موانع جابجایی سرمایه به منظور تأمین جریان پایدار سرمایه و کمک به جابجایی سرمایه میان کشورهای مدنظر و سایر کشورهای جهان است. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد، عکس این قضیه بود. با حذف موانع انتقال سرمایه، قسمت قابل توجهی از منابع مالی کشورها - که عمدتاً تخصیص یافته از صندوق بین‌المللی پول بوده‌اند - از کشور خارج شد. بر اساس آمارها، کشورهای آمریکای لاتین از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۱ که اوج اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در این کشورهاست، با فرار سرمایه مواجه بوده‌اند. این واقعیت نشان می‌دهد که کاهش کنترل سیاست پولی و لغو موانع انتقال سرمایه از سوی دولت‌ها نه تنها به افزایش سرمایه‌گذاری منجر نخواهد شد، بلکه سرمایه موجود در اقتصاد را نیز از کشور خارج کرده و تولید را از آن سرمایه محروم می‌نماید. پ



۶. یامد های تعدیل ساختاری در این سه کشور نشان داد که برای رساندن کشور ها به رشد و توسعه، نمی توان نسخه های واحدی را برای تمامی کشور ها تجویز کرد؛ بلکه باید شرایط داخلی، محدودیت ها خاص کشور ها، تنوع نهادی، ساختار های اقتصادی و درجه توسعه یافتگی آنها را نیز در سیاست گذاری ها لحاظ کرد.

در ایران نیز سیاست های تعدیل ساختاری در طول سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ اجرا شد و تجربه مشابهی نسبت به کشور های آمریکای لاتین بدست آمد. پس از آن نیز اگرچه نامی از تعدیل ساختاری در سیاست‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی به میان نیامد، اما نگاه نئولیبرالی در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور تا به امروز دیده می‌شود.

با توجه به تجربه اجرای سیاست های تعدیل ساختاری در کشور های آمریکای لاتین و در مقاطعی در ایران، به نظر می رسد اجرای این سیاست‌ها در ایران به دو علت می‌تواند چالش‌آفرین باشد:

۱. صندوق بین‌المللی پول، سیاست های تعدیل ساختاری را بعنوان یک نسخه واحد برای تمامی کشور های عموماً در حال توسعه تجویز کرده است و مقتضیات خاص هر یک از این کشور ها به طور مجزا در این سیاست ها دیده نشده است و ایران نیز از این امر مستثنا نیست. در حالیکه تجویز نسخه سیاستی برای هر کشوری باید بر اساس شرایط خاص نظام اقتصادی آن کشور باشد.
۲. در سیاست های تعدیل ساختاری تلاش شده است اهداف مطلوب عمدتاً و صرفاً با سیاست گذاری قیمتی محقق شوند و زمینه های فرهنگی و مشکلات ساختاری اقتصاد کشور ها -از جمله ایران- که جزو اصلی ترین موانع رشد و پیشرفت آنها بوده است، در این سیاست ها نادیده گرفته شده است.

بنابراین اجرای سیاست‌های مدنظر صندوق بین‌المللی پول نه تنها موجب تحقق اهداف مدنظر نخواهد شد، بلکه راه را برای دستیابی به آنها دشوارتر خواهد کرد.



فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
فصل ۱. تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در شیلی.....	۱۰
۱-۱- مرحله اول: ۱۹۷۳-۱۹۸۲؛ اجرای تعدیل ساختاری پس از کودتا و گرفتن اولین وام از صندوق... ۱۰	
۱-۱-۱- آثار مرحله اول.....	۱۱
۱-۲- مرحله دوم: ۱۹۸۳-۱۹۸۹؛ وام مجدد صندوق بین‌المللی پول به شیلی.....	۱۳
۱-۲-۱- آثار مرحله دوم.....	۱۳
۱-۳- مرحله سوم: ۱۹۸۹-۱۹۹۰؛ درخواست مجدد شیلی از صندوق بین‌المللی پول برای اعطای وام... ۱۳	
۱-۴- مرحله چهارم: ۲۰۱۰-۲۰۲۰؛ بازگشت به نئولیبرالیسم و تعدیل ساختاری.....	۱۴
فصل ۲. تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در آرژانتین.....	۱۵
۱-۲- مرحله اول: ۱۹۵۹؛ پرداخت اولین وام از سوی IMF.....	۱۵
۱-۲-۱- آثار مرحله اول.....	۱۶
۱-۲-۲- مرحله دوم: ۱۹۶۶-۱۹۶۸.....	۱۶
۱-۲-۲-۱- آثار مرحله دوم.....	۱۶
۱-۲-۳- مرحله سوم: ۱۹۶۸-۱۹۷۵.....	۱۷
۱-۲-۳-۱- آثار مرحله سوم.....	۱۷
۱-۲-۴- مرحله چهارم: ۱۹۷۸-۱۹۸۲.....	۱۷
۱-۲-۴-۱- آثار مرحله چهارم.....	۱۸
۱-۲-۵- مرحله پنجم: ۱۹۸۳-۱۹۸۸.....	۱۸
۱-۲-۶- مرحله ششم: ۱۹۹۰-۱۹۹۹؛ نقطه عطف اجرای تعدیل ساختاری در آرژانتین.....	۱۹
۱-۲-۶-۱- آثار مرحله ششم.....	۱۹
۱-۲-۷- مرحله هفتم: ۱۹۹۹-۲۰۰۱؛ بحران اقتصادی، زمینه ساز تقاضای مجدد وام از صندوق.....	۲۰
۱-۲-۷-۱- آثار مرحله هفتم.....	۲۰
۱-۲-۸- مرحله هشتم: ۲۰۰۵؛ تلاش برای بازپرداخت بدهی صندوق پس از خروج از رکود.....	۲۱
۱-۲-۸-۱- آثار مرحله هشتم.....	۲۱
۱-۲-۹- مرحله نهم: ۲۰۱۵-۲۰۱۸؛ بازگشت به تعدیل ساختاری و درخواست وام.....	۲۱
۱-۲-۹-۱- آثار مرحله نهم.....	۲۲
فصل ۳. تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در شیلی.....	۲۴
۱-۳- مرحله اول: ۱۹۸۳-۲۰۰۱؛ آغاز و تداوم برنامه‌های ریاضتی و مذاکره با صندوق برای دریافت وام... ۲۵	
۱-۳-۱- آثار مرحله اول.....	۲۶
۱-۳-۲- مرحله دوم: ۲۰۰۹-۲۰۰۱؛ مذاکره مجدد با صندوق بین‌المللی پول و تداوم تعدیل ساختاری.....	۲۷
۱-۳-۲-۱- آثار مرحله دوم.....	۲۷
۱-۳-۳- مرحله سوم: ۲۰۰۹-۲۰۱۷؛ توقف اجرای تعدیل ساختاری و تغییر در سیاستگذاری اقتصادی.....	۲۸

- ۲۹-۳-۳-۱ آثار مرحله سوم.....
- ۲۹-۳-۴-۳-۴ مرحله چهارم: ۲۰۱۷-۲۰۲۰؛ بازگشت به نئولیبرالیسم و تقاضای وام از صندوق.....
- ۳۰-۳-۴-۱-۱ آثار مرحله چهارم.....
- ۳۱-۴. تحلیل اثرات اجرای برنامه تعدیل ساختاری در شیلی، آرژانتین و اکوادور.....
- ۳۴-۵. دلالت‌های پژوهش برای اقتصاد ایران.....
- ۳۷- منابع.....